

متن کامل دعای عرفه و گریزهای مداحی دعا

با نوای سیدرضا نریمانی



بابُ الْحَرَمِ پایگاهِ متنِ روضه

وبسایت

www.babolharam.net

آدرس ارتباط در ایتا، تلگرام، سروش...

@babolharam_net

آدرس ارتباط در اینستاگرام

@babolharam__net

"اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَبْلِ فَرَجِهِمْ"

"لَا مَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، مَسْبُتًا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ نِعْمَ الْمَوْلَى وَ نِعْمَ النَّصِيرُ"

"أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، عَالِمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ، الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ، الْغَفُورُ الرَّحِيمِ، بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِنْ جَمِيعِ ظُلْمِي وَجُرْمي وَ إِسْرَافِي عَلَى نَفْسِي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ"

"بِالْمُسْلِمِينَ إِلَهِي الْعَفْو..."

*در روایت اومده که خداوند به ملائکه در این روز میفرماید: که آیانی بینید بنده های من رو که چقدر ژولیده و غبارآلود از اطراف شهرها، دور هم جمع شدن، آیامیدونید چه درخواستی دارند؟ ملائکه عرضه میدارن خدایا! اینها مغفرت میخوان از تو، خداوند می فرماید: شاهد باشید امروز همه ی بندگانم، همه رو می بخشم.

امروز بدون بخشیده شدی، آدم بدونه کارش راه افتاده، بهتر نوکری میکنه، وقتی از اول، بذاره کف دستت، چیزی رو که میخوای، هی تا آخر میگی "خدایا! نوکرتم، خدایا! ممنونتم. دیگه دغدغه ی این رو نداری که بگی: خدایا مارو ببخش، چون از قبل بخشیده شدی...

در روایت دیگه امام سجاد، روز عرفة صدای سائلی رو شنید که از مردم درخواست کمک داشت، تا رسید به آقا، حضرت بهش فرمودن: وای بر تو، که در همچنین روزی که روز عرفة است از غیر خدا سوال میکنی، حال آنکه در همچنین روزی که بچه هایی که در شکم مادرهاشون هستند، اونها هم به سعادت میرسند.

خداوند توی قرآن میفرماید: اگر دعای بندگان نبود، هیچ اعتنایی به شما نمیکردم.

فلذا اهمیت دعا رو میخواستیم توی امروز به شما بگم که بدونی امروز برا چی اومدی اینجا.*

تو کریمی واسه تو شاه و گدا فرق نداره

حاجتش روا میشه هر کی به تو رو بیاره

اگه اون دوستم نداشت، رام نمیداد

میون سوخته دلاش جام نمیداد

خود را حراج کرده ام آقا بیا بخر

من بینواتر از همه ام بینوا بخر

چانه نمیزنم بخدا حرف، حرفِ توست

بی ارزشم اگر چه مرا بی بها بخر

*امروز فرمودند: اول کسایی رو که خدا نگاه میکنه، زائرای امام حسین، خوشبحالشون، کاش

الان ماهم کربلا بودیم، آقا جان...*

دیگر به روی دست خودم باد کرده ام

یا ورشکسته ام بکن آقا و یا بخر

آتش زدم به مالِ خودم

دیدنی مغازه هایی ک حراج میزنن، داد میزنن آتش زدم بمالم بیا بخريد...

آتش زدم به مالِ خودم، رحم کن به من

من بی وفام قبول، تو ای با وفا بخر

*امروز زمزمه های یا حسینتون قطع نشه، امروز کوفه، آقامون مسلم، نمیدونم شایددیگه الان

به شهادت رسیده باشه، اما فقط هی زیر لب میگفت: حسین...*

درهم قبول کن همه ام را هر آنچه هست

دیگرنکن تو خوب و بدم را سوا بخر

من بی آبروتر از همه ام بدترم نکن

یک گوشه مخفیانه مرا بی صدا بخر

من برده ی توام که به بازار برده ها

گرچه سیاه چهره ام این بنده را بخر

تو پادشاه جهان را خریده ای

این بار را ضرر بکن و یک گدا بخر

با من کتیه یا که گُئل می شود خرید

من را برای خرجی بزم عزا بخر

یا که مرا نبر به حرم، بی حرم بُکش

یا نه مرا وسطِ کربلا بخر

سَرِ مسلم که شکسته است، فدایِ سَرِ تو

نگرانم بخورد سنگ، سَرِ خواهرِ تو

دختر من اگر رفت اسارت برود

نگرانم به اسارت برود دخترِ تو

حاضرَم دشمنت انگشتر من را ببرد

در امان باشد اَقلاً دگر انگشترِ تو

حاضرَم میخ قناره برود بر تن من

تا که با اسب نریزند سَرِ پیکرِ تو

من اگر جای تو بودم به یمن میرفتم

بسکه حرف است در این معرکه پُشتِ سَرِ تو

حَرَمَله از سَرِ بازار سه تا تیر خرید

از همان لحظه زدم شور علی اصغر تو

لب من پاره شد و آب نخوردم آخر

من فدای عطش ساقی آب آور تو

حسین آرام جانم

حسین روح و روانم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَيْسَ لِقَضَائِهِ دَافِعٌ وَلَا لِعَطَائِهِ مَانِعٌ وَلَا كَصُنْعِهِ صُنْعٌ صَانِعٍ وَهُوَ
الْجَوَادُ الْوَاسِعُ فَطَرَ أَجْنَاسَ الْبَدَائِعِ وَآتَقَنَ بِحِكْمَتِهِ الصَّنَائِعَ لَا تَخْفَى عَلَيْهِ
الطَّلَائِعُ وَلَا تَضِيعُ عِنْدَهُ الْوَدَائِعُ جَازَى كُلَّ صَانِعٍ وَرَائِشَ كُلِّ قَانِعٍ وَرَاحِمُ كُلِّ ضَارِعٍ
وَمُنْزِلُ الْمَنَافِعِ وَالْكِتَابِ الْجَامِعِ بِالنُّورِ السَّاطِعِ وَهُوَ لِلدَّعَوَاتِ سَامِعٌ وَلِلْكَرْبَاتِ
دَافِعٌ وَلِلدَّرَجَاتِ رَافِعٌ وَلِلْجَبَابِرَةِ قَامِعٌ فَلَا إِلَهَ غَيْرُهُ وَلَا شَيْءَ يَعْذِلُهُ وَلَيْسَ كَمِثْلِهِ
شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اَللّهُمَّ اِنِّى
اَرْغَبُ اِلَيْكَ وَاَشْهَدُ بِالرُّبُوبِيَّةِ لَكَ مُقَرَّراً بِاَنَّكَ رَبِّى وَ اِلَيْكَ مَرَدِّى اِبْتَدَأْتَنِى بِنِعْمَتِكَ
قَبْلَ اَنْ اَكُونَ شَيْئاً مَذْكُوراً وَخَلَقْتَنِى مِنَ التُّرَابِ ثُمَّ اَسْكَنْتَنِى الْاَصْلَابَ اَمِناً
لِرَيْبِ الْمُنُونِ وَاخْتِلَافِ الدُّهُورِ وَالسَّيِّئِينَ فَلَمْ اَزَلْ ظاعِناً مِنْ صُلْبِ اِلَى رَحِمٍ فِى
تَقَادُيمٍ مِنَ الْاَيَّامِ الْمَاضِيَةِ وَالْقُرُونِ الْخَالِيَةِ لَمْ تُخْرِجْنِى لِرَافَتِكَ بى وَلُطْفِكَ لى
وَاحْسَانِكَ اِلَىِّ فِى دَوْلَةِ اَئِمَّةِ الْكُفْرِ الَّذِينَ تَقَضُّوا عَهْدَكَ * خلى خدا رو شکر کن، پدر

و مادرت رو دعا کن، اینطوری بارت آوردن که امام حسینی باشی، خدا رو شکر کن اگه توی
کشور کفر به دنیا میومدی چیکار میکردی؟ * وَكَذَّبُوا رُسُلَكَ، لَكِنَّكَ أَخْرَجْتَنِى لِلَّذِى
سَبَقَ لى مِنَ الْهُدَى الَّذِى لَهُ يَسَّرْتَنِى، وَفِيهِ اَنْشَأْتَنِى، وَمِنْ قَبْلِ ذَلِكِ رُوِّفَتْ
بى بِجَمِيلِ صُنْعِكَ، وَسَوَابِغِ نِعَمِكَ، فَابْتَدَعْتَ خَلْقِى مِنْ مَنِى يَمْنِى، وَاسْكَنْتَنِى
فِى ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ بَيْنَ لَحْمٍ وَدَمٍ وَجِلْدٍ، لَمْ تُشْهِدْنِى خَلْقِى، وَلَمْ تَجْعَلْ اِلَىِّ

شَيْئاً مِنْ أَمْرِي، ثُمَّ أَخْرَجْتَنِي لِلَّذِي سَبَقَ لِي مِنَ الْهُدَى إِلَى الدُّنْيَا تَامّاً سَوِيّاً، وَحَفِظْتَنِي فِي الْمَهْدِ طِفْلاً صَبِيّاً، وَرَزَقْتَنِي مِنَ الْغِذَاءِ لَبَناً مَرِيّاً، وَعَطَفْتَ عَلَيَّ قُلُوبَ الْحَوَاضِنِ، وَكَفَلْتَنِي الْأُمَمَاتِ الرَّوَاجِمَ، وَكَلَّأْتَنِي مِنْ طَوَارِقِ الْجَانِّ، وَسَلَّمْتَنِي مِنَ الزِّيَادَةِ وَالنُّقْصَانِ، فَتَعَالَيْتَ يَا رَحِيمُ يَا رَحْمَنُ، حَتَّى إِذَا اسْتَهْلَلْتُ نَاطِقاً بِالْكَلَامِ، أَتَمَّمْتَ عَلَيَّ سَوَابِغَ الْأَنْعَامِ، وَرَبَّيْتَنِي زَائِداً فِي كُلِّ عَامٍ، حَتَّى إِذَا اكْتَمَلْتُ فِطْرَتِي، وَاعْتَدَلْتُ مِرَّتِي، أَوْجَبْتَ عَلَيَّ حُجَّتَكَ بِأَنْ أَلْهَمْتَنِي مَعْرِفَتَكَ، وَرَوَّعْتَنِي بِعَجَائِبِ حِكْمَتِكَ، وَآيَقَظْتَنِي لِمَا دَرَأْتَ فِي سَمَائِكَ وَأَرْضِكَ مِنْ بَدَائِعِ خَلْقِكَ، وَتَبَهَّجْتَنِي لِشُكْرِكَ وَذِكْرِكَ، وَأَوْجَبْتَ عَلَيَّ طَاعَتَكَ وَعِبَادَتَكَ، وَفَهَّمْتَنِي مَا جَاءَتْ بِهِ رُسُلُكَ، وَبَسَّرْتَ لِي تَقَبُّلَ مَرْضَاتِكَ، وَمَنْنْتَ عَلَيَّ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ بِعَوْنِكَ وَلُطْفِكَ، ثُمَّ إِذْ خَلَقْتَنِي مِنْ خَيْرِ الثَّرَى، لَمْ تَرْضَ لِي يَا إِلَهِي نِعْمَةً دُونَ أُخْرَى، وَرَزَقْتَنِي مِنْ أَنْوَاعِ الْمَعَاشِ* چقدر بهم نعمت دادی، چقدر به من لطف کردی، نعمتهای بیشمار که الان یکی یکی میخوای بشمری* وَصُنُوفِ الرِّيَاشِ، بِمَنِّكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ عَلَيَّ، وَاحْسَانِكَ الْقَدِيمِ إِلَيَّ، حَتَّى إِذَا أَتَمَّمْتَ عَلَيَّ جَمِيعَ النِّعَمِ، وَصَرَفْتَ عَنِّي كُلَّ النِّقَمِ، لَمْ يَمْنَعَكَ جَهْلِي وَجُرْأَتِي عَلَيْكَ، أَنْ دَلَّلْتَنِي إِلَى مَا يَقَرِّبُنِي إِلَيْكَ، وَوَفَّقْتَنِي لِمَا يَزِلُّقُنِي لَدَيْكَ، فَإِنْ دَعَوْتُكَ أَجَبْتَنِي* هر وقت تو رو خوندم اجابتهم کردی* وَإِنْ سَأَلْتُكَ آعْطَيْتَنِي* هر وقت ازت درخواستی کردم بهم عطا کردی* وَإِنْ أَطَعْتُكَ شَكَرْتَنِي* هر وقت اطاعتت کردم پاداش کاملم دادی* وَإِنْ شَكَرْتُكَ زِدْتَنِي، كُلُّ ذَلِكَ إِكْمَالٌ لِأَنْعُمِكَ عَلَيَّ وَاحْسَانِكَ إِلَيَّ* هر وقت شکرتم کردم به من بیشتر عطا کردی به من بیشتر نعمت دادی، این حرفارو امام حسین داره میزنه، ارباب من و تو داره این حرفارو میزنه، چه حرفای قشنگی، چه آقای خوبی داشتیم*

فَسُبْحَانَكَ سُبْحَانَكَ مِنْ مُبَدِيٍّ مُعِيدٍ حَمِيدٍ مَجِيدٍ، تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ، وَعَظُمَتْ الْأَوُكُ، فَأَيُّ نِعَمِكَ يَا إِلَهِي أَحْصَى عَدَداً وَذِكْراً، أَمْ أَتَى عَطَايَاكَ أَقْوَمُ بِهَا شُكْراً، وَهِيَ يَا رَبِّ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ يَحْصِيَهَا الْعَادَوْنَ* اینجا لحن مناجات آقامون عوض میشه، آقامون میگه اصلاً نمیتونم نعمت هات رو بشمارم چه برسه بخوام شکر کنم* أَوْ يَبْلُغَ عِلْماً بِهَا الْحَافِظُونَ، ثُمَّ مَا صَرَفْتَ وَدَرَأْتَ عَنِّي اللَّهُمَّ مِنَ الضَّرِّ وَالضَّرَّاءِ، أَكْثَرُ مِمَّا ظَهَرَ لِي مِنَ الْعَافِيَةِ وَالسَّرَّاءِ، وَأَنَا أَشْهَدُ يَا إِلَهِي بِحَقِيقَةِ إِيْمَانِي، وَعَقْدِ عَزَمَاتِ

یقینی، وَخَالِصِ صَرِيحِ تَوْحِيدِ* من دارم میخونم دقت کن به معنایش، کاردارم با معنایش*
 وَبَاطِنِ مَكْنُونِ ضَمِيرِ، وَعَلَائِقِ مَجَارِی نُورِ بَصَرِ، وَأَسَارِیرِ صَفْحَةِ جَبَنِی،
 وَخُرْقِ مَسَارِی نَفْسِی، وَخَذَارِیفِ مَارِی عِرْنِی، وَمَسَارِی سِمَاخِ سَمْعِی، وَمَا
 ضَمَّتْ وَاطْبَقَتْ عَلَيْهِ شَفَتَاي* نانجیب، این چوب رو میذاشت بین دو لبهای آقا، هی با این
 لب و دندان بازی میکرد، چوب اگه خیزران باشه، لبها خشک باشه، چیکار با این لبها میکنه،
 فلذا یه مرتبه دیدن این بی بی دو عالم، زینب کبری سلام الله علیها، از جا بلند شد صدا زد:
 بشکنه دستت چی کار داری میکنی؟ این لبهارو پیغمبر بوسه زده* وَحَرَكَاتِ لَفْظِ لِسَانِی،
 وَمَغْرَزِ حَنَكِ قَمِی وَفَکِی* این دندانهارو مادرم بوسیده* وَمَنَابِتِ أَضْرَاسِی، وَمَسَاغِ
 مَطْعَمِی وَمَشْرَبِی، وَحِمَالَةِ أُمِّ رَأْسِی* اینقدر تو این راه هی سرش از بالای نیزه روی
 زمین می افتاد، دوباره روی نیزه میزدند، دوباره از رو نیزه روی زمین می افتاد، ای
 حسین* وَبُلُوعِ فَارِغِ حَبَائِلِ عُنْقِی* یه لحظه معنارو ببین* وَمَا اشْتَمَلَ عَلَيْهِ تَامُورُ
 صَدْرِی* بگم یانه؟ "وَالشَّمْرُ جَالِسٌ عَلَى صَدْرِكَ" اگه بخوان یه قربانی رو ذبح کنند از جلو
 ذبح رو سرمیبرن، آخه ذبح سریع جون میده، اما اگه ذبح "مِنَ الْقَفَا" از پشت سر باشه میدونی
 چی پیش میاد؟ از خودم نمیگم امام سجاد فرمودند: "أَنَا بَنُ مَن قُتِلَ صَبْرًا" یعنی بابام رو زجر
 کش کردن... حسین...*

روضه نمیخواهد تنی که سر ندارد

قربان آن آقا که انگشتر ندارد

یک تکه ای سالم در همه پیکر ندارد

جایی برای بوسه ی مادر ندارد

من بی وضو موی نور اشانه نکردم

حالا به دنبال سرت باید بگردم

وَحَمَائِلِ حَبْلٍ وَتِنِي، وَبِطَاطِ حِجَابِ قَلْبِي، وَأَفْلَاحِ حَوَاشِي كَيْدِي، وَمَا حَوْتُهُ
شِرَاسِيْفُ أَضْلَاعِي وَحِقَاقُ مَفَاصِلِي، وَقَبْضُ عَوَامِلِي، وَأَطْرَافِ أَنَامِلِي، وَلَحْمِي
وَدَمِي، وَشَعْرِي وَبَشَرِي، وَعَصَبِي وَقَصَبِي، وَعِظَامِي وَمُخِّي وَعُرْوَقِي، وَجَمِيعِ
جَوَارِحِي * فرمود: کاری با این بدن کردند، شیخ جعفر شوشتری می‌گه: دیگه پشت و روی این
بدن مشخص نبوده، فلذا وقتی خانوم اومد توی گودال، هی صدا می‌زد: «أَنْتِ أُخِي؟» «آیا تویی
برادری من؟» یهو دید از حلقوم بریده یکی داره می‌گه «أَخِيَّ إِلَيَّ» * وَمَا انْتَسَجَ
عَلَى ذَلِكَ أَيَّامَ رِضَاعِي، وَمَا أَقَلَّتِ الْأَرْضُ مِنِّي، وَتَوُومِي وَيَقْطَعَتِي وَسُكُونِي،
وَحَرَكَاتِ رُكُوعِي وَسُجُودِي * نمودنم این رو بگم یا نه، سجده ی آقا میدونید کی بوده؟ اون
لحظه ای که از بالای اسب روی زمین افتاد * أَنْ لَوْ حَاوَلْتُ وَاجْتَهَدْتُ مَدَى الْأَعْصَارِ
وَالْأَحْقَابِ لَوْ عُمِرْتُهَا أَنْ أُؤَدِّيَ شُكْرَ وَاحِدَةٍ مِنْ أَنْعُمِكَ مَا اسْتَطَعْتُ ذَلِكَ، إِلَّا
بِمَنِّكَ

الْمُوجِبِ عَلَيَّ بِهِ شُكْرُكَ أَبَدًا جَدِيدًا، وَتَنَاءً طَارِفًا عَتِيدًا أَجَلُ، وَلَوْ حَرَصْتُ أَنَا
وَالْعَادُونَ مِنْ أَنَامِكَ أَنْ تُحْصِيَ مَدَى إِنْعَامِكَ سَالِفِهِ وَآنِفِهِ، مَا حَصَرْنَاهُ عَدَدًا، وَلَا
أَحْصَيْنَاهُ أَمْدَ أَهْيَاتِ أَتَى ذَلِكَ، وَأَنْتِ الْمُخْبِرُ فِي كِتَابِكَ النَّاطِقِ، وَالنَّبَأُ الصَّادِقِ،
وَأَنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا، صَدَقَ كِتَابُكَ اللَّهُمَّ وَأَنْبَأُوكَ، وَبَلَّغْتَ أَنْبِيَائُوكَ
وَرُسُلُكَ مَا أَنْزَلْتَ عَلَيْهِمْ مِنْ وَحْيِكَ، وَشَرَعْتَ لَهُمْ وَبِهِمْ مِنْ دِينِكَ، غَيْرَ أَتَى يَا
إِلَهِي أَشْهَدُ بِحُفْدِي وَجِدِّي، وَمَبْلَغِ طَاعَتِي وَوُسْعِي، وَأَقُولُ مُؤْمِنًا مُوقِنًا،
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا فَيَكُونَ مَوْرُوثًا، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكَ فِي مُلْكِهِ
فَيَضَادَّهُ فِيمَا ابْتَدَعَ، وَلَا وَلِيٌّ مِنَ الدُّنْيَا فَيُرِيدُهُ فِيمَا صَنَعَ، فَسُبْحَانَهُ سُبْحَانَهُ لَوْ

كَانَ فِيهِمَا إِلَهًا إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا وَتَفَطَّرَتَا، سُبْحَانَ اللَّهِ الْوَاحِدِ الْأَحَدِ الصَّمَدِ، الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ، الْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْدًا يَعَادِلُ حَمْدَ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ، وَأَنْبِيَائِهِ الْمُرْسَلِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى خَيْرَتِهِ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمُخْلِصِينَ، وَسَلَّم

* اینجا میگه اشک از دیده های مبارک امام جاری شد، این تیکه هارو با اشک ارباب

میخونده...*

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَخْشَاكَ كَأَنِّي أَرَاكَ، وَأَسْعِدْنِي بِتَقْوِيكَ، وَلَا تُشَقِّقْنِي بِمَعْصِيَتِكَ، وَخَرِّلِي فِي قَضَائِكَ، وَبَارِكْ لِي فِي قَدَرِكَ، حَتَّى لَا أُحِبَّ تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ وَلَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ غِنَايَ فِي نَفْسِي، وَالْيَقِينَ فِي قَلْبِي، وَالْإِخْلَاصَ فِي عَمَلِي، وَالنُّورَ فِي بَصَرِي، وَالْبَصِيرَةَ فِي دِينِي، وَمَتَّعْنِي بِجَوَارِحِي، وَاجْعَلْ سَمْعِي وَبَصَرِي الْوَارِثِينَ مِنِّي وَأَنْصُرْنِي عَلَى مَنْ ظَلَمَنِي، وَأَرِنِي فِيهِ ثَارِي وَمَأْرِبِي، وَأَقِرَّ بِذَلِكَ عَيْنِي، اللَّهُمَّ اكشِفْ كَرْبَتِي، وَأَسْئُرْ عَوْرَتِي، وَأَغْفِرْ لِي خَطِيئَتِي، وَأَخْسَأْ شَيْطَانِي، وَفُكْ رِهَانِي، وَاجْعَلْ لِي يَا إِلَهِي، الدَّرَجَةَ الْعُلْيَا فِي الْأَخِرَةِ وَالْأُولَى، اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي، فَجَعَلْتَنِي سَمِيعًا بَصِيرًا، وَلَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي، فَجَعَلْتَنِي خَلْقًا سَوِيًّا رَحِمَةً بِي، وَقَدْ كُنْتَ عَنْ خَلْقِي غَنِيًّا، رَبِّ يَا بَرَأْتَنِي فَعَدَلْتَ فِطْرَتِي، رَبِّ يَا أَنْشَأْتَنِي فَأَحْسَنْتَ صُورَتِي، رَبِّ يَا أَحْسَنْتَ إِلَيَّ وَفِي نَفْسِي عَافِيَتَنِي، رَبِّ يَا كَلَأْتَنِي وَوَقَفْتَنِي، رَبِّ يَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَهَدَيْتَنِي، رَبِّ يَا أَوْلَيْتَنِي وَمِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَعْطَيْتَنِي، رَبِّ يَا أَطْعَمْتَنِي وَسَقَيْتَنِي، رَبِّ يَا أَغْنَيْتَنِي وَأَقْنَيْتَنِي، رَبِّ يَا أَعَنْتَنِي وَأَعَزَّزْتَنِي رَبِّ يَا أَلْبَسْتَنِي مِنْ سِتْرِكَ الصَّافِي، وَيَسَّرْتَ لِي مِنْ صُنْعِكَ الْكَافِي صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَعِنِّي عَلَى بَوَائِقِ الدُّهُورِ، وَصُرُوفِ اللَّيَالِي وَالْأَيَّامِ، وَتَجَنِّي مِنْ أَهْوَالِ الدُّنْيَا وَكُرْبَاتِ الْآخِرَةِ وَاكْفِنِي شَرَّ مَا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ فِي الْأَرْضِ، اللَّهُمَّ مَا أَخَافُ فَاكْفِنِي* ارباب ما میگه من میترسم، از چی؟* وَمَا أَحْذَرُ فَاقْنِي، وَفِي نَفْسِي وَدِينِي فَأَخْرُسْنِي، وَفِي سَقَرِي فَأَحْقُطْنِي وَفِي أَهْلِي وَمَالِي فَاخْلُفْنِي*

نگرانی آقای من و تو از چیه؟ نگرانی آقای من از زن و بچشه، فلذا شب ۲۸ رجب راه افتاد، شبانه راه افتاده، هیچ از خودت سوال کردی چرا شبانه از مدینه زده بیرون، آخه میخواد کسی

سوارشدن زینب رو نبینه. وقتی روضه ناموسی میشه اینطوری نباید گریه کنی ها، آخه هیچ وقت دوست نداشته کسی قد و قامت خواهرش رو ببینه، سوارشدن بچه هاش رو ببین. فلذا توی گودال قتلگاه فرمود: اگه دین ندارید آزاد مرد باشید، اول کار حسین رو تموم کنید بعد برید سمت خیمه هاش.

میخوام یه اسمی رو ببرم ببخشید... محدث قمی میگه: شمر، با اون همه قساوت قلبی که داشته فریاد زد گفت: نروید سمت خیمه ها، اول برید کار حسین رو تمام کنید...

اما تو مدینه اصلاً حیانکردن، نگفتن الان مرد خونه داره می بینه، هر کی با هر چی دستشه داره میزنه...*

در آن ساعت که در می سوخت میدانی که من کجا بودم

چو افتادی زیا من هم به زیر دست و پا بودم

تو آن شب خواب بودی آمدم بازوی تو دیدم

مبادا آنکه بیدارت کنم آهسته بوسیدم

شاید شاعر اینجا حواسش نبوده، نمیدونم، اینکه میگه: تو آن شب خواب بودی... خواب کجا بود؟ آخه با درد پهلوی و بازو که آدم خواب نمیره... حالا زهرا داره میگه:

یا علی می گوید و پهلوی به پهلوی می شود

ظاهراً اینبار از هر بار درد آورتر است

* آخه صدا زد: شبا از درد پهلوی خوابم نمیره، دختر طلحه اومد دیدن این خانوم، عرضه داشت خانوم جان!، "کَیْفَ أَصْبَحْتُک؟" چطوری شب رو صبح میکنی؟ گفت بیا جلو، درِ حجره رو ببند، چرامیگه در رو ببند، شاید میخواد کسی نیاد، زینبی، حسنی، حسینی، کسی نباید ببینه، میگه اینقدر جلو رفتم صدای نفسهارو میشنیدم، یهو این پارچه رو کنار زد، دختر طلحه خودت ببین، وقتی نفس میکشم، خون....*

وَفِيْمَا رَزَقْتَنِي قَبَارِكِ لِي، وَفِي نَفْسِي قَذَلِّلْنِي، وَفِي آغْيَنِ النَّاسِ فَعَظَّمْنِي،
وَمِنْ شَرِّ الْحَيْنِ وَالْإِنْسِ فَسَلِّمْنِي، وَبِذُنُوبِي فَلَا تَفْضَحْنِي

حوریه ی علی، بدنت را عقب بکش

در سوخته است، زود تنت را عقب بکش

وَيَسْرِيْرَتِي فَلَا تُخْزِنِي، وَيَعْمَلِي فَلَا تَبْتَلِنِي، وَنِعَمَكِ فَلَا تَسْلُبْنِي، وَالِي غَيْرِكِ
فَلَا تَكْلُنِي إِلَهِي إِلَي مَن تَكْلُنِي، إِلَي قَرِيْبٍ فَيَقْطَعُنِي، أَمْ إِلَي بَعِيْدٍ
فَيَنْجَهْمُنِي، أَمْ إِلَي الْمُسْتَضْعَفِيْنَ لِي وَأَنْتَ رَبِّي، وَمَلِيْكِ أَمْرِي أَشْكُو إِلَيْكَ
عُرْبَتِي * سر تو چاه میکرد. * وَبُعْدَ دَارِي، وَهَوَانِي عَلَي مَن مَلَكَتْهُ أَمْرِي، إِلَهِي فَلَا
تُحْلِلْ عَلَي غَضَبِكَ، فَإِنْ لَمْ تَكُنْ غَضِبْتَ عَلَيَّ فَلَا أَبَالِي سِوَاكَ مَا سُبْحَانَكَ غَيْرَ
أَنْ عَافَيْتَكَ أَوْسَعُ لِي، فَاسْأَلُكَ يَا رَبِّ بُنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ لَهُ الْأَرْضُ

وَالسَّمَوَاتُ، وَكَشِفَتْ بِهِ الظُّلُمَاتُ، وَصَلَّحَ بِهِ أَمْرُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، أَنْ لَا تُمَيَّنِي عَلَى غَضَبِكَ وَلَا تُنْزِلْ بِي سَخَطَكَ لَكَ الْعُتْبَى لَكَ الْعُتْبَى حَتَّى تَرْضَى قَبْلَ ذَلِكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، رَبَّ الْبَلَدِ الْحَرَامِ، وَالْمَشْعَرِ الْحَرَامِ، وَالْبَيْتِ الْعَتِيقِ الَّذِي أَحَلَلْتَهُ الْبَرَكَةَ، وَجَعَلْتَهُ لِلنَّاسِ أَمْنًا، يَا مَنْ عَفَا عَنْ عَظِيمِ الذُّنُوبِ بِحِلْمِهِ* ای کسی که با حلمت با صبرت از گناهان بزرگ بنده هات میگذری* یا مَنْ آسَبَغَ النِّعْمَاءَ بِفَضْلِهِ* ای کسیکه بافضلت نعمت رو بر خلق به حد کمال رسوندی، تو این جمع هیچ کسی نمیتونه بگه من رو بحال خودم ول کرده، امسال شب قدر خیلی ها شهادتشون امضا شد. ورشکسته بمن میگن امسال شب قدر باختم، نه شهادت نه زیارت، خوشحالتون آی شهدا، چون فرموده امروز که روز عرفه است، خواسته ای نیست که برآورده نشه، بذار وسط دعا برا خودم دعا کنم، دیگه بسمه، چقدر من بدبختم، چرا میگی بدبخت؟ آخه امروز هیچ کسی من رو تو خونس راه نداد، نه امام رضا، نه اربابم کربلا...*

به گمانم پسر فاطمه با من قهرست

نشدم لایق دیدار بهم ریخته ام

* تا خبر پیدا شدن پیکرمطهر شهید حججی رو آوردن، گفتم: بین یه بچه ی بیست و پنج شش ساله بایه جثه نحیف، تمام معادلات دنیارو بهم ریخت، یه نوکر چه کارا که نمیکنه، حالا چه معامله ای بین خودش و آقاش داشته نمیدونم تا چند وقت برا نبودنش، وقتی هم که او مد مردم براش چیکار کردن، آخه عمه جان ما تو این مسیر هی به این فکر میکرد، خدایا بدن داداشم چی شد؟...*

راس تو میرود بالای نیزه ها

من زار میزنم دریای نیزه ها

آه ای ستاره ی دنباله دار من

زخمی ترین سر نیزه سوار من

از خیمه آمدم اطراف قتلگاه

گفتی که خواهرم، برگرد خیمه ها

يَا مَنْ أَعْطَى الْجَزِيلَ بِكَرَمِهِ، يَا عُدَّتِي فِي شِدَّتِي، يَا صَاحِبِي فِي وَحْدَتِي، يَا
غِيَاثِي فِي كَرْبَتِي، يَا وَلِيَّيَ فِي نِعْمَتِي، يَا إِلَهِي وَإِلَهَ آبَائِي إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ
وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ، وَرَبَّ جَبْرَائِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَاسْرَافِيلَ، وَرَبَّ مُحَمَّدٍ خَاتِمِ النَّبِيِّينَ، وَ
إِلَهَ الْمُتَنَجِّبِينَ، وَمُنْزِلَ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ وَالْقُرْآنِ، وَمُنْزِلَ كَهْيَعص وَطه
وَيَسَ وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ، أَنْتَ كَهْفِي حِينَ تُعَيِّنِي الْمَذَاهِبُ فِي سَعَتِهَا، وَتَضِيقُ
بِي الْأَرْضُ بِرُحْبِهَا، وَلَوْلَا رَحْمَتُكَ لَكُنْتُ مِنَ الْهَالِكِينَ، وَأَنْتَ مُقِيلُ عَثْرَتِي، وَلَوْلَا
سَتْرُكَ إِيَّايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوحِينَ، وَأَنْتَ مُؤَيِّدِي النَّصْرِ عَلَى أَعْدَائِي، وَلَوْلَا
نَصْرُكَ إِيَّايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِينَ، يَا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِالسُّمِّ وَالرِّفْعَةِ، فَأَوْلِيَّائُهُ
يَعْرِضُهُ يَغْتَرُونَ، يَا مَنْ جَعَلَتْ لَهُ الْمُلُوكُ نِيرَ الْمَذَلَّةِ عَلَى أَعْنَاقِهِمْ، فَهُمْ مِنْ
سَطَوَاتِهِ خَائِفُونَ، يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ، وَغَيْبَ مَا تَأْتِي بِهِ

الْأَزْمِنَةُ وَالذُّهُورُ يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ كَيْفَ هُوَ. إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ مَا هُوَ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ لَا يَعْلَمُهُ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ كَبَسَ الْأَرْضَ عَلَى الْمَاءِ، وَسَدَّ الْهَوَاءَ بِالسَّمَاءِ يَا مَنْ لَهُ أَكْرَمُ الْأَسْمَاءِ يَا ذَا الْمَعْرُوفِ الَّذِي لَا يَنْقَطِعُ أَبَدًا، يَا مُقَيِّضَ الرِّكَبِ لِيُوسُفَ فِي الْبَلَدِ الْقَفْرِ، وَمُخْرِجَهُ مِنَ الْجُبِّ، وَجَاعِلَهُ بَعْدَ الْعُبُودِيَةِ مَلِكًا* يوسف زهرا الان کجاست؟ خوشبحال اونایی که الان کربلان، یا احياناً صحرای عرفاتن، امروز کجا میری آقا جان! شب عرفه آقا رو دید، از کسای بی بود که زودتر رفته بود عرفات تا چادرها و امکانات رو فراهم کنه، گفت یه مرتبه صدا پای اسب اومد، گفتم اسب!؟ تو این صحرا!؟ تو تاریکی!؟ اومدم دیدم سه تا اسب سوارن، تا من رو دیدن من رو با اسم صدازدن، گفتن: فلانی! چایی داری به ما چایی بدی؟ تشریف آوردن زیرخیمه، هرچی گشتم دیدم چایی همراه خودم نیوردم، دیدم آقا فرمودن: به همراهشون، یه ذره از اون دمنوش هارو بیار، دم نوشی که تو عمرم دیگه این طعمی نخورده بودم، بعد به من گفت چیزی توخیمت پیدامیشه؟ گفتم: پنییر آقا، گفتن: پنییر برا ما مکروهه، گفتم: آقا ماست هم هست، نشست سر سفره، نمودنستم با کی سر سفره نشستم، همین طوری که غذا می خوردیم گفتم: آقا! امام زمان رو میشه اینجایدا کرد؟ گفت: آره چرا نشه. گفتم کجا باید دنبالش بگردم امام زمانم رو پیدا کنم؟ جواب داد هرخیمه ای که روضه ی عموم عباس خونده شد من اونجام، خداحافظی کرد و رفت یهو به خودم اومدم کی بود این آقا، هرچی گشتم تو این صحرا خودم رو زدم، خاک بر سرم ریختم دیگه این آقا رو پیدا نکردم.

گذشت تا روز عرفه، مثل دیوونه ها، زیر چادرها هی گریه میکردم، گفت: یهو زیرخیمه ای، اون مداح شروع کرد روضه خواندن، گفت: امروز میخوام روضه ی عمو جان امام زمان رو بخونم، یادم افتاد: نشستم روی زمین، تو حین روضه گفتم حالا آقام رو چطوری پیدا کنم؟ تا از در خیمه اومدم بیرون دیدم همون شخص، آقا دم در خیمه ایستاده، گردنش رو کج کرده به پهنای صورت داره اشک میریزه...*

سقای دشت کربلا ابوالفضل

دستش شده از تن جد ابوالفضل

تو رو به جان امام زمان، همه یه لحظه، هرکاری دارید رها کنید، دلت رو بده به امام زمان، یعنی آقا، تو این همه سال نوکری چند دقیقه بما نمیرسی که بیایی یه سری بما بزنی؟ هرکی که آقاش رو دید به ما هم خبر بده، اگر حقیقت داره که روضه ی عموش خونده بشه بیاد، بچه هایی که دم در هستید، شماها بیشتر گریه کنید. همه روضه خون بشن، بالاخره تو این جمع من گنهکارم، شماها که خوبید یه نگاهی به شما بکنند...

سقای دشت کربلا ابوالفضل

دستش شده از تن جد ابوالفضل

ام البنین در کربلا نبودی واویلا

بر فرق عباس زدن عمودی واویلا

قدحسین بن علی تاشده واویلا

پایِ عدو به خیمه ها وا شده واویلا

یه مرتبه دید داره صدا میزنه "آخا! آدرک آخا" تا اومد کنار این بدن نشست دید داره گریه میکنه، چرا گریه میکنی؟ حسین باید گریه کنه از داغ برادری مثل تو، صدازد: نه حسین جان، دارم برا خودت گریه میکنم، الان تو اومدی بالاسرم، سرم رو تو بغلت گرفتی، اما دارم چند ساعت دیگه رو می بینم هیچ کسی نیست سرِ عزیزِ فاطمه رو تو بغل بگیره...

مونده روی زمین، پیکر تو رها

اَلْسَّلَامُ عَلٰی مَنْ دَفَنَهُ اَهْلُ الْقُرٰی

خواهرت اگه نیست رفته شام بلا

ریک و رمل بیابان برات گرفتن عزا

همه منتظرن مادرش برسه

کاش صدای برادر به خواهرش برسه

يَا رَادَّهُ عَلَى يَغُفُّوبَ بَعْدَ أَنْ ابْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ، يَا كَاشِفَ الضُّرِّ
وَالْبَلَاءِ عَنْ أَيُّوبَ، وَمُؤْسِكِ يَدَيَّ إِبْرَاهِيمَ عَنْ دَبْحِ ابْنِهِ بَعْدَ كَبْرِ سِنِّهِ وَقَنَاءِ
عُمُرِهِ، يَا مَنْ اسْتَجَابَ لِزَكْرِيَّا فَوَهَّبَ لَهُ يَحْيَى، وَلَمْ يَدْعُهُ فَرْدًا وَحِيدًا، يَا مَنْ
أَخْرَجَ يُونُسَ مِنْ بَطْنِ الْحُوتِ، يَا مَنْ فَلَقَ الْبَحْرَ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ فَأَنْجَاهُمْ، وَجَعَلَ
فِرْعَوْنَ وَجُنُودَهُ مِنَ الْمَغْرَقِينَ، يَا مَنْ أَرْسَلَ الرِّيَّاحَ مُبَشِّرَاتٍ بَيْنَ يَدَيَّ رَحْمَتِهِ، يَا
مَنْ لَمْ يَعْجَلْ عَلَى مَنْ عَصَاهُ مِنْ خَلْقِهِ، يَا مَنْ اسْتَنْقَذَ السَّحْرَةَ مِنْ بَعْدِ طُولِ
الْجُحُودِ، وَقَدْ غَدَوْا فِي نِعْمَتِهِ يَأْكُلُونَ رِزْقَهُ وَيَعْبُدُونَ غَيْرَهُ، وَقَدْ حَادَّوْهُ وَنَادَّوْهُ
وَكَذَّبُوا رُسُلَهُ، يَا إِلَهَهُ يَا إِلَهَهُ، يَا بَدِئُ يَا بَدِيعُ، لَا نِدَّكَ، يَا دَائِمًا لَا تَفَادَ لَكَ، يَا حَيًّا
حِينَ لَا حَيٍّ، يَا مُحْيِيَ الْمَوْتَى، يَا مَنْ هُوَ قَائِمٌ عَلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ، يَا
مَنْ قَلَّ لَهُ شُكْرِي فَلَمْ يَحْرِمْنِي، وَعَظُمَتْ خَطِيئَتِي فَلَمْ يَفْضَحْنِي، وَرَأَى عَنِّي عَلَى
الْمَعَاصِي فَلَمْ يَشْهَرْنِي، يَا مَنْ حَفِظَنِي فِي صِغَرِي، يَا مَنْ رَزَقَنِي فِي كِبَرِي،
يَا مَنْ أَبَادِيهِ عِنْدِي لَا تُحْصَى، وَنِعْمَتُهُ لَا تُجَازَى، يَا مَنْ عَارَضَنِي بِالْخَيْرِ
وَالْإِحْسَانِ، وَعَارَضْتُهُ بِالْإِسَاءَةِ وَالْعِصْيَانِ، يَا مَنْ هَدَانِي لِلْإِيمَانِ مِنْ قَبْلِ أَنْ
أَعْرِفَ شُكْرَ الْإِيمَانِ، يَا مَنْ دَعَاؤُهُ مَرِيضًا فَشَفَانِي، وَغُرِيانًا فَكَسَانِي، وَجَائِعًا
فَأَشْبَعَنِي، وَعَطْشَانًا فَأَرَوَانِي، وَذَلِيلًا فَأَعَزَّنِي، وَجَاهِلًا فَعَرَّفَنِي، وَوَحِيدًا
فَكَثَّرَنِي، وَغَائِبًا فَزِدَّنِي، وَمُقِلًّا فَأَغْنَانِي، وَمُنْتَصِرًا فَتَصَرَّنِي، وَغَنِيًّا فَلَمْ يَسْلُبْنِي،
وَأَمْسَكَتْ عَنْ جَمِيعِ ذَلِكَ فَأَتَبَدَّأَنِي، فَلَكَ الْحَمْدُ وَالشُّكْرُ، يَا مَنْ أَقَالَ عَثْرَتِي،
وَنَقَّسَ كَرْبَتِي، وَأَجَابَ دَعْوَتِي، وَسَتَرَ عَوْرَتِي، وَغَفَرَ ذُنُوبِي، وَبَلَّغَنِي طَلِبَتِي،
وَتَصَرَّنِي عَلَى عَدُوِّي، وَإِنْ أَعُدَّ نِعَمَكَ وَمِنَّكَ وَكَرَائِمَ مَنَاجِكَ لَا أَحْصِيهَا، يَا مَوْلَايَ
أَنْتَ الَّذِي مَنَنْتَ أَنْتَ الَّذِي أَنْعَمْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَحْسَنْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَجَمَلْتَ أَنْتَ
الَّذِي أَفْضَلْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَكَمَلْتَ، أَنْتَ الَّذِي رَزَقْتَ، أَنْتَ الَّذِي وَفَّقْتَ، أَنْتَ الَّذِي
أَعْطَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَعْنَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَقْنَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَوَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي كَفَيْتَ،
أَنْتَ الَّذِي هَدَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي عَصَمْتَ، أَنْتَ الَّذِي سَتَرْتَ، أَنْتَ الَّذِي غَفَرْتَ، أَنْتَ
الَّذِي أَقَلْتَ، أَنْتَ الَّذِي مَكُنْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَعَزَّزْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَعْنَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي
عَصَدْتَ، أَنْتَ الَّذِي آيَدْتَ، أَنْتَ الَّذِي نَصَرْتَ، أَنْتَ الَّذِي شَفَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي
عَافَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَكْرَمْتَ، تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ، فَلَكَ الْحَمْدُ دَائِمًا، وَلَكَ الشُّكْرُ
وَاصِبًا أَبَدًا، ثُمَّ أَنَا يَا إِلَهِي، الْمُعْتَرِفُ بِذُنُوبِي، فَاغْفِرْهَا لِي، أَنَا الَّذِي آسَأْتُ،
أَنَا الَّذِي أَخْطَأْتُ أَنَا الَّذِي هَمَمْتُ، أَنَا الَّذِي جَهَلْتُ، أَنَا الَّذِي شُكْرِي فَلَمْ يَحْرِمْنِي،
وَعَظُمَتْ خَطِيئَتِي فَلَمْ يَفْضَحْنِي، وَرَأَى عَنِّي عَلَى الْمَعَاصِي فَلَمْ يَشْهَرْنِي، يَا مَنْ

حَفِظْنِي فِي صِغَرِي، يَا مَنْ رَزَقَنِي فِي كِبَرِي، يَا مَنْ آيَادِهِ عِنْدِي لَا تُخْصِي،
وَنِعْمُهُ لَا تُجَازِي، يَا مَنْ عَارَضَنِي بِالْخَيْرِ وَالْإِحْسَانِ، وَعَارَضْتُهُ بِالْإِسَاءَةِ
وَالْعُصْيَانِ، يَا مَنْ هَدَانِي لِلْإِيمَانِ مِنْ قَبْلِ أَنْ أَعْرِفَ شُكْرَ الْإِمْنَانِ، يَا مَنْ دَعَوْتُهُ
مَرِيضاً فَشَفَانِي، وَعُزِياناً فَكَسَانِي، وَجَائِعاً فَاشْبَعَنِي، وَعَطْشَاناً فَارْوَانِي، وَذَلِيلاً
فَاعَزَّنِي، وَجَاهِلاً فَعَرَّفَنِي، وَوَحِيداً فَكَتَرَنِي، وَغَائِباً فَרَدَدَنِي، وَمُقِيلاً فَاعْنَانِي،
وَمُتَنَصِراً فَتَنَصَّرَنِي، وَغَنِيّاً فَلَمْ يَسْلُبْنِي، وَأَمْسَكْتُ عَنْ جَمِيعِ ذَلِكَ فَابْتَدَأَنِي،
فَلَكَ الْحَمْدُ وَالشُّكْرُ، يَا مَنْ بَرَأَنِي لِي فَاعْتَذِرْ، وَلَإِذَا قُوَّةٌ فَانْتَصِرْ قِيَايَ شَيْءٍ
أَسْتَقِيلُكَ يَا مَوْلَايَ، أَيْسَمْعِي أَمْ بِبَصَرِي أَمْ بِلِسَانِي أَمْ بِبِيَدِي أَمْ بِرِجْلِي، أَلَيْسَ
كُلُّهَا نِعْمَكَ عِنْدِي، وَبِكُلِّهَا عَصِيَّتُكَ يَا مَوْلَايَ، فَلَكَ الْحُجَّةُ وَالسَّبِيلُ عَلَيَّ، يَا مَنْ
سَتَرَنِي مِنَ الْأَبَاءِ وَالْأُمَّهَاتِ أَنْ يَزْجُرُونِي، وَمِنَ الْعَشَائِرِ وَالْإِخْوَانِ أَنْ
يَعِيرُونِي، وَمِنَ السَّلَاطِينِ أَنْ يَعَاقِبُونِي، وَلَوْ ااطَّلَعُوا يَا مَوْلَايَ عَلَى مَا ااطَّلَعْتَ
عَلَيْهِ مِنِّي إِذَا مَا أَنْظَرُونِي، وَلَرَقَضُونِي وَقَطَعُونِي * داری میگی خدا اگه این رفیقا و

این کسانی که الان دور من نشستن مطلع بودن از گناهان من به لحظه هم پیشم نمی‌موندن،

بخدا من رو از اینجا بیرون میکردن، ولی تو از همه مطلعی، بازم گفتمی بیا تحویلتم میگیرم

* فَهَا أَنَا ذَا يَا إِلَهِي بَيْنَ يَدَيْكَ، يَا سَيِّدِي خَاضِعٌ ذَلِيلٌ حَصِيرٌ حَقِيرٌ، لَا ذُو بَرَأَةٍ

فَاعْتَذِرْ، وَلَا ذُو قُوَّةٍ فَانْتَصِرْ، وَلَا حُجَّةٍ فَاحْتَجْ بِهَا وَلَا قَائِلٌ لَمْ أَحْتَرِجْ، وَلَمْ أَعْمَلْ
سُوءاً وَمَا عَسَى الْجُحُودَ، وَلَوْ جَحَدْتُ يَا مَوْلَايَ يَنْفَعُنِي، كَيْفَ وَآتَى ذَلِكَ
وَجَوَارِحِي كُلُّهَا شَاهِدَةً عَلَيَّ بِمَا قَدْ عَمِلْتُ، وَعَلِمْتُ يَقِيناً غَيْرَ ذِي شَكِّ أَنَّكَ
سَائِلِي مِنْ عَظَائِمِ الْأُمُورِ، وَأَنَّكَ الْحَكَمُ الْعَدْلُ الَّذِي لَا تَجُورُ، وَعَذْلُكَ مُهْلِكِي،
وَمِنْ كُلِّ عَذْلِكَ مَهْرَبِي، فَإِنْ تُعَذِّبْنِي يَا إِلَهِي فَيَذْنُوبِي بَعْدَ حُجَّتِكَ عَلَيَّ، وَإِنْ
تَغْفُ عَنِّي فَيَجْلُمِكَ وَجُودِكَ وَكَرَمِكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ
الظَّالِمِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ،
سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُؤْجِدِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ
الْخَائِفِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْوَجِلِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ،
سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الرَّاجِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ
الرَّاعِبِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُهْلَلِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ،
سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ السَّالَتِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ
الْمُسَبِّحِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُكْبِّرِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ،

سُبْحَانَكَ رَبِّي وَرَبُّ ابَائِي الْأَوَّلِينَ، اَللّٰهُمَّ هَذَا ثَنَائِي عَلَيْكَ مُمَجِّدًا، وَاخْلَاصِي لِذِكْرِكَ مُوَجِّدًا، وَأَفْرَارِي بِالْإِيكَ مُعَدِّدًا، وَإِنْ كُنْتُ مُقِرًّا أَنِّي لَمْ أُحْصِهَا لِكَثَرَتِهَا وَسُبُوغِهَا وَتَظَاهُرِهَا، وَتَقَادُمِهَا إِلَى حَادِثٍ، مَا لَمْ تَزَلْ تَتَعَقَّدُنِي بِهِ مَعَهَا مُنْذُ خَلَقْتَنِي وَبَرَأْتَنِي مِنْ أَوَّلِ الْعُمُرِ مِنَ الْإِغْنَاءِ مِنَ الْفَقْرِ، وَكَشْفِ الضَّرِّ، وَتَسْبِيْبِ الْيُسْرِ، وَدَفْعِ الْعُسْرِ، وَتَفْرِيجِ الْكُرْبِ، وَالْعَافِيَةِ فِي الْبَدَنِ، وَالسَّلَامَةِ فِي الدِّينِ، وَلَوْ رَفَدَنِي عَلَى قَدْرِ ذِكْرِ نِعَمَتِكَ جَمِيعُ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، مَا قَدَرْتُ وَلَا هُمْ عَلَى ذَلِكَ، تَقَدَّسْتَ وَتَعَالَيْتَ مِنْ رَبِّ كَرِيمٍ عَظِيمٍ رَحِيمٍ، لَا تُحْصِي الْأَوْكُ، وَلَا يَبْلُغُ ثَنَاؤُكَ، وَلَا تُكَافِي نِعْمَاؤُكَ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَتِمِّمْ عَلَيْنَا نِعَمَكَ وَأَسْعِدْنَا بِطَاعَتِكَ، سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، اَللّٰهُمَّ إِنَّكَ تُجِيبُ الْمُضْطَرَّ وَتَكْشِفُ الشَّوْءَ، وَتُغِيثُ الْمَكْرُوبَ، وَتَشْفِي السَّقِيمَ، وَتُعْزِي الْفَقِيرَ، وَتَجْبُرُ الْكَسِيرَ، وَتَرْحَمُ الصَّغِيرَ، وَتُعِينُ الْكَبِيرَ، وَلَيْسَ دُونَكَ ظَهِيرٌ، وَلَا قَوْوَكْ قَدِيرٌ، وَأَنْتَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ، يَا مُطْلِقَ الْمَكْبَلِ الْأَسِيرِ، يَا رَازِقَ الطِّفْلِ الصَّغِيرِ، يَا عِصْمَةَ الْخَائِفِ الْمُسْتَجِيرِ، يَا مَنْ لَا شَرِيكَ لَهُ وَلَا وَزِيرَ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَعْطِنِي فِي هَذِهِ الْعَشِيَةِ أَفْضَلَ مَا أَعْطَيْتَ وَأَنْتَ أَحَدًا مِنْ عِبَادِكَ مِنْ نِعْمَةٍ تُؤْلِيهَا، وَآلَاءٍ تُجَدِّدُهَا، وَبَلِيَّةٍ تَصْرِفُهَا، وَكَرْبَةٍ تَكْشِفُهَا، وَدَعْوَةٍ تَسْمَعُهَا، وَحَسَنَةٍ تَقْبَلُهَا، وَسَيِّئَةٍ تَتَعَمَّدُهَا، إِنَّكَ لَطِيفٌ بِمَا تَشَاءُ خَبِيرٌ، وَعَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اَللّٰهُمَّ إِنَّكَ أَقْرَبُ مَنْ دُعِيَ، وَأَسْرَعُ مَنْ أَجَابَ وَأَكْرَمُ مَنْ عَفَى، وَأَوْسَعُ مَنْ أَعْطَى، وَأَسْمَعُ مَنْ سُئِلَ، يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَحِيمَهُمَا، لَيْسَ كَمِثْلِكَ مَسْئُولٌ، وَلَا سِوَاكَ مَأْمُولٌ، دَعَاؤُكَ فَاجِبَتْنِي، وَسَأَلْتُكَ فَأَعْطَيْتَنِي، وَرَغِبْتُ إِلَيْكَ فَارْحَمْتَنِي، وَوَقَفْتُ بِكَ فَتَجَبَّنِي، وَفَزِعْتُ إِلَيْكَ فَكَفَيْتَنِي اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ، وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ، وَعَلَى إِلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ أَجْمَعِينَ، وَتَمِّمْ لَنَا نِعْمَاتِكَ، وَهَيِّئْنا عَطَايَكَ، وَاكْتُبْنا لَكَ شَاكِرِينَ، وَلِأَيِّكَ ذَاكِرِينَ، آمِينَ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ، اَللّٰهُمَّ يَا مَنْ مَلَكَ فَقْدَرٌ، وَقَدَّرَ فَقَهَرٌ، وَعُصِيَ فَسَتَرٌ، وَاسْتُغْفِرَ فَغَفَرٌ، يَا غَايَةَ الطَّالِبِينَ الرَّاعِبِينَ وَمُنْتَهَى أَمَلِ الرَّاحِبِينَ، يَا مَنْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا، وَوَسِعَ الْمُسْتَقِيلِينَ رَاقَةً وَرَحْمَةً وَحِلْمًا، اَللّٰهُمَّ إِنَّا نَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ فِي هَذِهِ الْعَشِيَةِ الَّتِي شَرَفَتْهَا وَعَظَّمَتْهَا بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَرَسُولِكَ، وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَآمِينَكَ عَلَى وَحْيِكَ، الْبَشِيرِ النَّذِيرِ، السِّرَاجِ الْمُنِيرِ، الَّذِي أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَى الْمُسْلِمِينَ، وَجَعَلْتَهُ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ، اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا مُحَمَّدٌ أَهْلٌ لِذَلِكَ مِنْكَ، يَا عَظِيمُ فَصَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَى إِلِهِ الْمُتَجَبِّبِينَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ

أَجْمَعِينَ، وَتَعَمَّدْنَا بِعَفْوِكَ عَنَّا، فَإِلَيْكَ عَجَّتِ الْأَصْوَاتُ بِصُئُوفِ اللُّغَاتِ، فَاجْعَلْ لَنَا
 اللَّهُمَّ فِي هَذِهِ الْعَشِيَةِ تَصِيباً مِنْ كُلِّ خَيْرٍ تَقْسِمُهُ بَيْنَ عِبَادِكَ، وَتُورِ تَهْدِي بِهِ
 وَرَحْمَةً تَنْشُرُهَا، وَبَرَكَهَ تَنْزِلُهَا، وَعَافِيَةً تُجَلِّلُهَا، وَرِزْقٍ تَبْسُطُهُ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ،
 اللَّهُمَّ أَقْلِبْنَا فِي هَذَا الْوَقْتِ مُنْجِحِينَ مُفْلِحِينَ مَبْرُورِينَ غَانِمِينَ، وَلَا تَجْعَلْنَا مِنَ
 الْقَانِطِينَ، وَلَا تُخْلِنَا مِنْ رَحْمَتِكَ، وَلَا تَحْرِمْنَا مَا نُؤَمِّلُهُ مِنْ فَضْلِكَ* اون چیزی که
 الان به زائرای حسین میدی به ماهم بده آقا، روز عرفه است یه کربلا برا من بنویس، اونایی که
 از ماه مبارک جاموندن، امام صادق فرمودن کسی که در ماه مبارک بخشیده نشه، تا سال دیگه
 بخشیده نمیشه، مگه اینکه روز عرفه رو درک کنه.

امروز برا من مثل شب قدره، از یه طرف هم امام باقر فرمودند: کسی که عرفه زمین کربلا رو
 زیارت کنه، خدا بلای اون رو تو سال دور میکنه، فلذا میشه اینجا هم کربلا بشه، آخر دعاست
 ،میخوام زنده بشید: "الَسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ" چه ادب قشنگی داری محضر اباعبدالله فکر
 کن تو دهنه ی باب القبله نشست: "الَسَّلَامُ عَلَی الْحُسَیْنِ وَ عَلَی عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ وَ عَلَی أَوْلَادِ
 الْحُسَیْنِ وَ عَلَی أَمْحَابِ الْحُسَیْنِ" بذار الان روضه بخونم شاید مُحرم زنده نباشم، اون یه تیکه
 رو معناکنم، امام حسین میگه: ابراهیم و دستاش رو برا قتل اسماعیل نگهداشتی، نداشتی
 بچش رو ذبح کنه، فلذا پرده ها کنار رفت، بذار قبلش رو بگم اینقدر این خنجر رو کشید به
 گلوی بچه اش، خیلی ناراحت شد خنجر رو پرت کرد به سمت صخره، روایت میگه: صخره دو
 نیم شد، گفت ای خنجر تو سنگ رو دو نیم کردی، چطور گلوی نازک بچه ام رو نمیبیری؟ فلذا
 وقتی خنجر رو گذاشت به گلوی بچه اش، گفت: وصیتی داری اسماعیل؟، گفت آره بابا، دو سه
 تا وصیت کرد، گفت: اول دست و پام رو ببند، چرا بابا؟ آخه دست و پا میزنم جلو بابام خجالت
 میکشم، وصیت دوم، بابا وصیت دیگه ای هم دارم میخوای سَرِ من رو ببری چشمم رو ببند
 چشمم تو چشمت نیفته مهر پدری غالب نشه امر خدارو کم و زیاد نکنی، فلذا وقتی خدا پرده
 ها رو کنار زد، گفت: ابراهیم، کار، کار تو نیست، جبرئیل نازل شد گوسفندی از بهشت آورد ذبح
 کرد، وقتی با هم رفتن خونه، روایت میگه: وقتی هاجر زیر گلوی این بچه رو دید تا دید گلوی

این بچه زخم شده ضجه ای زد غش کرد.... آه رباب... تا حسین اومد قنداقه ی علی اصغر رو تو

قبر بذاره، دید یکی داره میگه صبر کن بذار یبار دیگه بچم رو ببینم، حسین...*

وَلَا تَجْعَلْنَا مِنْ رَحْمَتِكَ مَحْرُومِينَ، وَلَا لِقْضَلٍ مَا نُؤَمِّلُهُ مِنْ عَطَائِكَ قَانِطِينَ، وَلَا تَرُدَّنَا خَائِبِينَ، وَلَا مِنْ بَابِكَ مَطْرُودِينَ، يَا أَجْوَدَ الْأَجْوَدِينَ، وَأَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ، إِلَيْكَ أَقْبَلْنَا مُوقِنِينَ، وَلِبَيْتِكَ الْحَرَامِ آمِينَ قاصِدِينَ، قَاعِنًا عَلَى مَنَاسِكَنا، وَأَكْمِلْ لَنَا حَجَّنَا، وَاعْفُ عَنَّا وَعَافِنَا، فَقَدْ مَدَدْنَا إِلَيْكَ أَيْدِينَ، فَهِيَ يَذَلَّةُ الْإِعْتِرَافِ مَوْسُومَةٌ، اَللَّهُمَّ فَاعْطِنَا فِي هَذِهِ الْعَشِيَةِ مَا سَأَلْنَاكَ، وَافْكِنَا مَا اسْتَكْفَيْنَاكَ، فَلَا كَافِيَ لَنَا سِوَاكَ، وَلَا رَبَّ لَنَا غَيْرُكَ، نَافِذٌ فِينَا حُكْمُكَ، مُحِيطٌ بِنَا عِلْمُكَ، عَذْلٌ فِينَا قَضَاؤُكَ، إِفْضِلْ لَنَا الْخَيْرَ، وَاجْعَلْنَا مِنْ أَهْلِ الْخَيْرِ، اَللَّهُمَّ أَوْجِبْ لَنَا بِجُودِكَ عَظِيمِ الْأَجْرِ، وَكَرِيمِ الدُّخْرِ، وَدَوَامِ الْيُسْرِ، وَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا أَجْمَعِينَ، وَلَا تُهْلِكْنَا مَعَ الْهَالِكِينَ، وَلَا تَصْرِفْ عَنَّا رَأْفَتَكَ وَرَحْمَتَكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، اَللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِي هَذَا الْوَقْتِ مِمَّنْ سَأَلَكَ فَاعْطَيْتَهُ، وَشَكَرَكَ فَزِدْتَهُ، وَتَابَ إِلَيْكَ فَقَبِلْتَهُ، وَتَمَصَّلَ إِلَيْكَ مِنْ ذُنُوبِهِ كُلِّهَا فَغَفَرْتَهَا لَهُ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، اَللَّهُمَّ وَتَقْنَا وَسَدِّدْنَا وَأَقْبِلْ تَصَرُّعَنَا، يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ، وَيَا أَرْحَمَ مَنْ اسْتُرْجِمَ، يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ إِغْمَاضُ الْجُفُونِ، وَلَا لَحْظُ الْعُيُونِ، وَلَا مَا اسْتَقَرَّ فِي الْمَكُونِ، وَلَا مَا انْطَوَتْ عَلَيْهِ مُضْمَرَاتُ الْقُلُوبِ، أَلَا كُلُّ ذَلِكَ قَدْ أَحْصَاهُ عِلْمُكَ، وَوَسِعَهُ حِلْمُكَ، سُبْحَانَكَ وَتَعَالَيْتَ عَمَّا يَقُولُ الظَّالِمُونَ غُلُوبًا كَبِيرًا، تُسَبِّحُ لَكَ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُونَ وَمَنْ فِيهِنَّ، وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يَسْبِيحُ بِحَمْدِكَ، فَلَكَ الْحَمْدُ وَالْمَجْدُ وَعُلُوُّ الْجَدِّ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَالْقَضَلِ وَالْإِنْعَامِ، وَالْأَيَادِي الْجِسَامِ، وَأَنْتَ الْجَوَادُ الْكَرِيمُ الرَّؤُوفُ الرَّحِيمُ، اَللَّهُمَّ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ، وَعَافِنِي فِي بَدَنِي وَدِينِي، وَآمِنْ خَوْفِي، وَاعْتِقْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، اَللَّهُمَّ لَا تَمْكُرْ بِي وَلَا تَسْتَدْرِجْنِي وَلَا تَخْدَعْنِي، وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ

يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ، يَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ، وَيَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ، وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، السَّادَةِ الْمَيَامِينِ، وَاسْأَلْكَ اَللَّهُمَّ حَاجَتِي الَّتِي إِنْ أَعْطَيْتَنِيهَا لَمْ يَضُرَّنِي مَا مَنَعْتَنِي وَإِنْ مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا أَعْطَيْتَنِي، أَسْأَلُكَ فَكَافِ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، لِإِلَهِ إِلَّا أَنْتَ، وَخُذْكَ لِشَرِيكِ لَكَ، لَكَ الْمُلْكُ،

وَلَكِ الْحَمْدُ، وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، يَا رَبِّ يَا رَبِّ *همه دور حسین ایستادن،

حسین داره مناجات میخونه، تو هم گریه کن و بگو، یا رب...*

عاشقی دردی درمون نداره

دل عاشق سر و سامون نداره

دگر این خانه مرا تنگ بود

زندگی بی شهدا ننگ بود

آنقدر در میزنم این خانه را

تا ببینم روی صاحبخانه را

السلام عليك دلتنگم

ای بمیرم که مایه ی ننگم

تو که آخر گره رو وا میکنی

پس چرا امروز و فردا میکنی

کی دعا کرده من و که اینجوری میکشونیم

کی سفارش کرده بین عاشقا مینشونیم

دستت رو بیار بالا باهمه ی وجودت ده مرتبه: بالحسین الهی العفو...

إِلَهِي أَنَا الْفَقِيرُ فِي غِنَايَ، فَكَيْفَ لَا أَكُونُ فَقِيرًا فِي فَقْرِي، إِلَهِي أَنَا الْجَاهِلُ فِي عِلْمِي، فَكَيْفَ لَا أَكُونُ جَهُولًا فِي جَهْلِي، إِلَهِي إِنَّ اخْتِلَافَ تَذْبِيرِكَ وَسُرْعَةَ طَوَاءِ مَقَادِيرِكَ، مَعَ عِبَادِكَ الْعَارِفِينَ بِكَ عَنِ الشُّكُونِ إِلَى عَطَاءٍ، وَالْيَأْسِ مِنْكَ فِي بَلَاءٍ، إِلَهِي مَنِّي مَا يَلِيقُ بِلُؤْمِي، وَمِنْكَ مَا يَلِيقُ بِكَرَمِكَ، إِلَهِي وَصَفْتَ نَفْسَكَ بِاللُّطْفِ وَالرَّأْفَةِ لِي قَبْلَ وُجُودِ ضَعْفِي، أَفَتَمْنَعُنِي مِنْهُمَا بَعْدَ وُجُودِ ضَعْفِي، إِلَهِي إِنَّ ظَهَرْتَ الْمَحَاسِنَ مَنِّي فَيَقْضُ إِلَيْكَ، وَلَكَ الْمِنَّةُ عَلَيَّ، وَإِنْ ظَهَرْتَ الْمَسَاوِي مَنِّي فَيَعْدِلُكَ وَلَكَ الْحُجَّةُ عَلَيَّ، إِلَهِي كَيْفَ تَكْلُنِي وَقَدْ تَكَلَّمْتَ لِي، وَكَيْفَ أَضَامُ وَأَنْتَ النَّاصِرُ لِي، أَمْ كَيْفَ أَخِيبُ وَأَنْتَ الْخَفِيُّ بِي، هَا أَنَا أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِفَقْرِي إِلَيْكَ، وَكَيْفَ أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِمَا هُوَ مُحَالٌ أَنْ يَصِلَ إِلَيْكَ، أَمْ كَيْفَ أَشْكُو إِلَيْكَ حَالِي وَهُوَ لَا يَخْفَى عَلَيْكَ، أَمْ كَيْفَ أُتَرْجِمُ بِمَقَالِي وَهُوَ مِنْكَ بَرَزَ إِلَيْكَ، أَمْ كَيْفَ تُخَيِّبُ أَمَالِي وَهِيَ قَدْ وَقَدَّتْ إِلَيْكَ، أَمْ كَيْفَ لَا تُحْسِنُ أَحْوَالِي وَبِكَ قَامَتْ، إِلَهِي مَا أَلْطَفَكَ بِي مَعَ عَظِيمِ جَهْلِي، وَمَا أَرْحَمَكَ بِي مَعَ قَبِيحِ فِعْلِي، إِلَهِي مَا أَقْرَبَكَ مِنِّي وَابْعَدَنِي عَنْكَ، وَمَا أَزَافُكَ بِي، فَمَا الَّذِي يَحْجُبُنِي عَنْكَ، إِلَهِي عَلِمْتُ بِاخْتِلَافِ الْأَثَارِ وَتَنَقُّلاتِ الْأَطْوَارِ، أَنَّ مُرَادَكَ مِنِّي أَنْ تَتَعَرَّفَ

إِلَىٰ فِي كُلِّ شَيْءٍ، حَتَّى لَا أَجْهَلَكَ فِي شَيْءٍ، إِلَهِي كُلَّمَا أَخْرَسَنِي لُؤْمِي
 أَنْطَقَنِي كَرَمُكَ، وَكُلَّمَا ابْسَئَنِي أَوْصَافِي أَطْمَعَنِي مِنْكَ، إِلَهِي مَنْ كَانَتْ
 مَحَاسِنُهُ مَسَاوِي، فَكَيْفَ لَا تَكُونُ مَسَاوِيهِ مَسَاوِي، وَمَنْ كَانَتْ حَقَائِقُهُ دَعَاوِي،
 فَكَيْفَ لَا تَكُونُ دَعَاوِيهِ دَعَاوِي، إِلَهِي حُكْمُكَ النَّافِذُ، وَمَشِيَّتُكَ الْقَاهِرَةُ، لَمْ يَتْرُكَا
 لِذِي مَقَالٍ مَقَالًا، وَلَا لِذِي حَالٍ حَالًا، إِلَهِي كَمْ مِنْ طَاعَةٍ بَنَيْتُهَا، وَحَالَةٍ شَيْدَتْهَا
 هَدَمَ اعْتِمَادِي عَلَيْهَا عَذْلُكَ، بَلْ أَقَالَنِي مِنْهَا فَضْلُكَ، إِلَهِي إِنَّكَ تَعْلَمُ أَتَى وَإِنْ
 لَمْ تَدِمِ الطَّاعَةُ مِنِّي فِعْلًا جَزْمًا، فَقَدْ دَامَتْ مَحَبَّةٌ وَعَزْمًا، إِلَهِي كَيْفَ أَعَزِمُ وَأَنْتَ
 الْقَاهِرُ، وَكَيْفَ لَا أَعَزِمُ وَأَنْتَ الْأَمِيرُ، إِلَهِي تَرَدَّدِي فِي الْأَثَارِ يَوْجِبُ بُعْدَ الْمَزَارِ
 فَاجْمَعْنِي عَلَيْكَ بِخِدْمَةٍ تُوصِلُنِي إِلَيْكَ، كَيْفَ يَسْتَدِلُّ عَلَيْكَ بِمَا هُوَ فِي وُجُودِهِ
 مُفْتَقِرٌ إِلَيْكَ، أَيْكُونُ لِغَيْرِكَ مِنَ الظُّهُورِ مَا لَيْسَ لَكَ، حَتَّى يَكُونَ هُوَ الْمُظْهِرَ لَكَ،
 مَتَى غِبْتَ حَتَّى تَحْتَاجَ إِلَى دَلِيلٍ يَدُلُّ عَلَيْكَ، وَمَتَى بَعُدْتَ حَتَّى تَكُونَ الْأَثَارُ
 هِيَ الَّتِي تُوصِلُ إِلَيْكَ، عَمِيَتْ عَيْنٌ لَا تَرَاكُ عَلَيْهَا رَقِيبًا، وَخَسِرَتْ صَفْقَةٌ عَبْدٌ لَمْ
 تَجْعَلْ لَهُ مِنْ حُبِّكَ نَصِيبًا، إِلَهِي آمَرْتُ بِالرُّجُوعِ إِلَى الْأَثَارِ، فَارْجِعْنِي إِلَيْكَ
 بِكِسْوَةِ الْأَنْوَارِ، وَهِدَايَةِ الْإِسْتِصَارِ، حَتَّى أَرْجِعَ إِلَيْكَ مِنْهَا، كَمَا دَخَلْتُ إِلَيْكَ
 مِنْهَا، مَصُونِ السِّرِّ عَنِ النَّظَرِ إِلَيْهَا، وَمَرْفُوعِ الْهِمَّةِ عَنِ الْإِعْتِمَادِ عَلَيْهَا، إِنَّكَ
 عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، إِلَهِي هَذَا دُلِّي ظَاهِرٌ بَيْنَ يَدَيْكَ، وَهَذَا حَالِي لَا يَخْفَى
 عَلَيْكَ، مِنْكَ أَطْلُبُ الْوُصُولَ إِلَيْكَ، وَبِكَ أَسْتَدِلُّ عَلَيْكَ فَاهْدِنِي بِنُورِكَ إِلَيْكَ،
 وَأَقِمْنِي بِصِدْقِ الْعُبُودِيَّةِ بَيْنَ يَدَيْكَ إِلَهِي عَلِّمْنِي مِنْ عِلْمِكَ الْمَخْزُونِ، وَصُنْنِي
 بِسِتْرِكَ الْمَصُونِ، إِلَهِي حَقِّقْنِي بِحَقَائِقِ أَهْلِ الْقُرْبِ، وَاسْأَلْكَ بِى مَسْأَلِكَ أَهْلِ
 الْجَذْبِ إِلَهِي آغْنِنِي بِتَذْيِيرِكَ لِي عَنْ تَذْيِيرِي، وَبِاخْتِيَارِكَ عَنِ اخْتِيَارِي،
 وَأَوْقِفْنِي عَلَى مَرَائِجِ اضْطِرَارِي، إِلَهِي أَخْرِجْنِي مِنْ دُلِّي نَفْسِي، وَطَهِّرْنِي مِنْ
 شَكِي وَشِرْكِي، قَبْلَ خُلُولِ رَمْسِي، بِكَ أَنْتَصِرُ فَأَنْصُرْنِي، وَعَلَيْكَ أَتَوَكَّلُ فَلَا
 تَكْلُنِي، وَإِيَّاكَ أَسْأَلُ فَلَا تُخَيِّبْنِي، وَفِي فَضْلِكَ أَرْغَبُ فَلَا تَحْرِمْنِي، وَبِجَنَابِكَ
 أَنْتَسِيبُ فَلَا تُبْعِدْنِي وَبِبَابِكَ أَقِفْ فَلَا تَطْرُدْنِي، إِلَهِي تَقَدَّسَ رِضَاكَ أَنْ يَكُونَ لَهُ
 عِلَّةٌ مِنْكَ، فَكَيْفَ يَكُونُ لَهُ عِلَّةٌ مِنِّي، إِلَهِي أَنْتَ الْغَنِيُّ بِذَاتِكَ أَنْ يَصِلَ إِلَيْكَ
 النَّفْعُ مِنْكَ، فَكَيْفَ لَا تَكُونُ غَنِيًّا عَنِّي، إِلَهِي إِنَّ الْقَضَاءَ وَالْقَدَرَ يَمْنِيْنِي، وَإِنَّ
 الْهَوَى بِوَتَائِقِ الشَّهْوَةِ أَسْرَنِي، فَكُنْ أَنْتَ النَّصِيرَ لِي حَتَّى تَنْصُرَنِي وَتُبْصِرَنِي،
 وَأَغْنِنِي بِفَضْلِكَ حَتَّى أَسْتَغْنِيَ بِكَ عَنْ طَلْبِي، أَنْتَ الَّذِي أَشْرَفْتَ الْأَنْوَارَ فِي
 قُلُوبِ أَوْلِيَائِكَ، حَتَّى عَرَفُوكَ وَوَحَّدُوكَ، وَأَنْتَ الَّذِي أَرَلْتَ الْأَغْيَارَ عَنْ قُلُوبِ

أَحْبَابِكَ، حَتَّى لَمْ يَجِئُوا سِوَاكَ، وَلَمْ يَلْجَأُوا إِلَى غَيْرِكَ، أَنْتَ الْمُؤْنِسُ لَهُمْ حَيْثُ أَوْحَشَتْهُمْ الْعَوَالِمُ، وَأَنْتَ الَّذِي هَدَيْتَهُمْ حَيْثُ اسْتَبَانَ لَهُمُ الْمَعَالِمُ، مَاذَا وَجَدَ مَنْ فَقَدَكَ وَمَا الَّذِي فَقَدَ مَنْ وَجَدَكَ، لَقَدْ خَابَ مَنْ رَضِيَ دُونَكَ بَدَلًا، وَلَقَدْ خَسِرَ مَنْ بَغَى عَنْكَ مُتَحَوِّلًا، كَيْفَ يَرْجَى سِوَاكَ وَأَنْتَ مَا قَطَعْتَ الْإِحْسَانَ، وَكَيْفَ يَطْلُبُ مِنْ غَيْرِكَ وَأَنْتَ مَا بَدَّلْتَ عَادَةَ الْإِمْتِنَانِ يَا مَنْ أَذَاقَ أَحِبَّائَهُ خِلَاوَةَ الْمُؤْنَسَةِ فَقَامُوا بَيْنَ يَدَيْهِ مُتَمَلِّقِينَ وَيَا مَنْ أَلْبَسَ أَوْلِيَاءَهُ مَلَابِسَ هَيْبَتِهِ فَقَامُوا بَيْنَ يَدَيْهِ مُسْتَغْفِرِينَ أَنْتَ الذَّاكِرُ قَبْلَ الذَّاكِرِينَ وَأَنْتَ الْبَادِي بِالْإِحْسَانِ قَبْلَ تَوَجُّهِ الْعَابِدِينَ وَأَنْتَ الْجَوَادُ بِالْعَطَاءِ قَبْلَ طَلَبِ الطَّالِبِينَ* تو بخشنده ای قبل از اینکه کسی بخواد، تو احسان می کنی قبل از اینکه کسی عبادتت کنه، یعنی نخواستته عطا میکنه ...

* وَأَنْتَ الْوَهَّابُ، ثُمَّ لِمَا وَهَبْتَ لَنَا مِنَ الْمُسْتَقْرِضِينَ إِلَهِي أَطْلُبُنِي بِرَحْمَتِكَ حَتَّى أَصِلَ إِلَيْكَ وَاجْذِبْنِي بِمَمِّكَ حَتَّى أَقْبَلَ عَلَيْكَ إِلَهِي إِنَّ رَجَائِي لَا يَنْقَطِعُ عَنْكَ وَإِنْ عَصَيْتُكَ كَمَا أَنَّ خَوْفِي لَا يُزِيلُنِي وَإِنْ أَطَعْتُكَ فَقَدْ دَفَعْتَنِي الْعَوَالِمُ إِلَيْكَ وَقَدْ أَوْقَعَنِي عِلْمِي بِكَرَمِكَ عَلَيْكَ إِلَهِي كَيْفَ أَخِيبُ وَأَنْتَ أَمَلِي أَمْ كَيْفَ أَهَانُ وَعَلَيْكَ مُتَّكِلِي إِلَهِي كَيْفَ أَسْتَعِزُّ وَفِي الذِّلَّةِ أَرْكَزْتَنِي أَمْ كَيْفَ لَا أَسْتَعِزُّ وَإِلَيْكَ نَسَبْتَنِي. إِلَهِي كَيْفَ لَا أَفْتَقِرُ وَأَنْتَ الَّذِي فِي الْفُقَرَاءِ أَقَمْتَنِي أَمْ كَيْفَ أَفْتَقِرُ وَأَنْتَ الَّذِي بِجُودِكَ أَغْنَيْتَنِي وَأَنْتَ الَّذِي لَا إِلَهَ غَيْرُكَ تَعَرَّفْتَ لِكُلِّ شَيْءٍ فَمَا جَهَلَكَ شَيْءٌ وَأَنْتَ الَّذِي تَعَرَّفْتَ إِلَيَّ فِي كُلِّ شَيْءٍ فَرَأَيْتُكَ ظَاهِرًا فِي كُلِّ شَيْءٍ وَأَنْتَ الظَّاهِرُ لِكُلِّ شَيْءٍ يَا مَنْ اسْتَوَى بِرَحْمَاتِيهِ قِصَارَ الْعَرْشِ غَيْبًا فِي ذَاتِهِ مَحَقَّتْ الْأَشَارَ بِالْأَشَارِ وَمَحَوَّتْ الْأَغْيَارَ بِمُحِيطَاتِ أَفْلَاكِ الْأَنْوَارِ يَا مَنْ احْتَجَبَ فِي سُرَادِفَاتِ عَرْشِهِ عَنْ أَنْ تُدْرِكَهُ الْأَبْصَارُ يَا مَنْ تَجَلَّى بِكَمَالِ بَهَائِهِ فَتَحَقَّقَتْ عَظَمَتُهُ الْإِسْتِوَاءَ كَيْفَ تَخْفَى وَأَنْتَ الظَّاهِرُ أَمْ كَيْفَ تَغِيبُ وَأَنْتَ الرَّقِيبُ الْحَاضِرُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَحْدَهُ.

بابُ الْحَرَمِ

اولین پایگاهِ متنِ روضه در ایران